

نقدی بر عرصه کارکردهای سازمان ملل متحد در دفاع از حقوق زنان

دکتر شهلا باقری^۱

منیره افشین پور^۲

چکیده

با نگاهی به تاریخ، متوجه تلاش‌های انجام شده توسط سازمان‌های بین‌المللی در حوزه دفاع از زنان می‌شویم تا به پشتوانه آن‌ها، زنان بتوانند حقوق فردی و اجتماعی از دست رفته خود را باز یابند. سازمان ملل متحد و کمیته‌های وابسته به آن، از همان آغاز تأسیس، برای نیل به اهداف حقوق بشری و ایفای نقش حمایتی خود، نسبت به احقاق حقوق زنان، تلاش‌هایی انجام داده‌اند که می‌توان آن‌ها در قالب صدور اعلامیه‌ها و برگزاری کنوانسیون‌ها و کنفرانس‌های بین‌المللی مشاهده کرد، اما با این حال، آن‌چه که محل تأمل است، این است که این سازمان‌ها، با وجود همه اقدامات و تلاش‌های انجام شده، هنوز نتوانسته‌اند در حوزه دفاع از زنان، به موفقیت‌های چشمگیری دست یابند.

علت این ناکامی‌ها را می‌توان در ناهمگونی مفاد این اسناد با فطرت انسان‌ها و تحمیل نگرش‌ها در کنار جهانی‌سازی فرهنگ منحط غربی، جست‌وجو کرد. برابری جنسیتی، انسان‌محوری و آزادی‌های بی‌حد و حصر که مبنای تدوین کنوانسیون‌ها و اعلامیه‌های سازمان‌های بین‌المللی است، با آموزه‌های دینی و بومی بسیاری از ملت‌ها در تعارض است. با بررسی محتوایی اسناد بین‌المللی درمی‌یابیم که

۱. دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه خوارزمی، Sbagheri@khu.ac.ir.

۲. دانشجوی دکتری فقه و حقوق، پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی (نویسنده مسئول)، Afshinpour@yahoo.com.

مکاتب فکری غربی‌ها، پشتوانه اصلی و نظری این اسناد هستند. از همین رو، این اسناد برای کشورهای اسلامی به‌ویژه ایران قابلیت اجرا ندارند. در این راستا، مقاله حاضر با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی و بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، به تحقیق و بررسی این موضوع پرداخته است.

واژگان کلیدی: حقوق زنان، سازمان ملل متحد، برابری جنسیتی، اسناد و قراردادهای بین‌المللی، فرهنگ غربی.



مقدمه

بانگاهی به ادوار مختلف تاریخ، به موارد متعددی از ظلم و ستم و نقض حقوق بشر که بر زنان، دختران و مادران روا داشته شده، برمی‌خوریم. این برخوردهای خشونت‌آمیز و ناعادلانه، هم در کشورهای به اصطلاح متمدن و سرمایه‌دار و هم در کشورهای توسعه‌نیافته، قابل مشاهده است. لزوم مواجهه با چنین مسائلی، سازمان ملل متحد و سایر نهادهای وابسته به آن را برآن داشت تا از همان بدو تأسیس، توجه ویژه به حقوق زنان را در دستور کار خود قرار دهند و تلاش کنند با اتخاذ تدابیر لازم و قانونی، نقش حمایتی خود را ایفا نمایند.

در طول این سال‌ها، سازمان ملل با صدور اعلامیه‌ها و برگزاری کنوانسیون‌ها، تشکیل کمیته‌ها و اجلاس‌های بین‌المللی متعدد، توانسته خود را به عنوان پرچمدار دفاع از حقوق زنان به جهانیان بشناساند. امروزه دفاع از زنان، از اهداف و اولویت‌های راهبردی سازمان‌های بین‌المللی به‌شمار می‌آید؛ تا جایی که می‌توان ادعا کرد که یکی از عرصه‌های چالش بین‌المللی بین دولت‌ها، میزان رسیدگی آن‌ها به مسائل مربوط به زنان است. هرچند توجه به امور مربوط به زنان، یکی از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه‌یافتگی و عدالت اجتماعی به‌شمار می‌آید، اما با وجود همه این تلاش‌ها، وضعیت زنان در جهان امروز، هنوز هم در هاله‌ای از ابهام قرار دارد و موجبات نگرانی بسیاری را فراهم کرده است.

حال این پرسش مطرح می‌شود که علت محقق نشدن حقوق شایسته بانوان و عدم وصول آنان به جایگاه رشد و تعالی چیست؟ چرا اسناد بین‌المللی در حوزه زنان، قابلیت اجرا و برنامه‌ریزی ندارند؟ بررسی وضعیت کنونی جهان از تلاش کشورهای غربی برای تحمیل دیدگاه‌ها و رویکردهای خود در اسناد و قراردادهای بین‌المللی و سیطره فرهنگی آنان بر جهان پرده برمی‌دارد. حمایت‌های سازمان‌های بین‌المللی از زنان در بسیاری از کشورها به‌ویژه کشورهای اسلامی، کارآمد و مؤثر نبوده و اغلب اقدامات و اسناد بازساخت‌های دینی، فرهنگی و حقوقی ملت‌ها، سازگاری و هماهنگی نداشته‌اند. به همین جهت در عمل ناموفق بوده و تاکنون نتوانسته‌اند در راستای حل مسائل مربوط به زنان راه‌گشا باشند.



بازخوانی اقدامات سازمان ملل متحد در حمایت از حقوق زنان

سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵ تأسیس شد و هم اکنون، اکثر قریب به اتفاق کشورها، عضو آن هستند. حمایت سازمان ملل متحد از حقوق زنان، از همان ابتدا و با تدوین منشور این سازمان آغاز شد. در ماده یک منشور، دست‌یابی به همکاری‌های بین‌المللی در گسترش و تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه بدون تمایز از حیث نژاد، جنس، زبان و مذهب، به عنوان هدف، اعلام شده است. سازمان ملل متحد در گام اول و در همان منشور خود، خواستار لزوم رعایت تساوی زن و مرد برای دولت‌های عضو شد.

پس از گذشت یک سال از زمان تأسیس سازمان ملل متحد، شورای اقتصادی و اجتماعی، «کمیسیون جایگاه زنان» را به عنوان اصلی‌ترین نهاد سیاست‌گذاری جهانی ویژه برای برابری جنسیتی و پیشرفت زنان تأسیس کرد. کمیسیون جایگاه زن (CSW)، اصلی‌ترین نهاد بین‌دولتی جهانی است که منحصراً به ارتقاء برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان اختصاص یافته است. به موجب این اساس‌نامه، تهیه توصیه‌نامه و گزارش به شورای اقتصادی - اجتماعی درباره مسائل مربوط به زنان و حقوق سیاسی، مدنی، اقتصادی و اجتماعی آن‌ها، جزء وظایف کمیسیون است.

«کمیته حقوق بشر» و «کمیته حذف تبعیض علیه زنان»، از دیگر کمیته‌های وابسته به سازمان ملل متحد هستند که در حوزه مربوط به زنان و پی‌گیری مطالبات آنان فعالیت می‌کنند.

کنوانسیون‌ها و کنفرانس‌های بین‌المللی که در زیر به آن‌ها اشاره می‌شود نیز، بخشی دیگر از اقدامات حمایتی سازمان‌های بین‌المللی در راستای احقاق حقوق و توجه ویژه به زنان است.

* کنوانسیون منع و مجازات کشتار دسته‌جمعی (۱۹۴۸)،

* کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو و پروتکل‌های الحاقی (۱۹۷۷)،

* کنوانسیون ۱۹۵۱ راجع به وضعیت پناهندگان و پروتکل الحاقی (۱۹۶۷)،

* کنوانسیون تکمیلی راجع به الغاء بردگی، تجارت برده و نهادهای مشابه بردگی (۱۹۶۵)،

* کنوانسیون‌های مصوب سازمان بین‌المللی کار،

* کنوانسیون رضایت در ازدواج و حداقل سن برای ازدواج و ثبت آن (۱۹۶۲)،

* میثاق حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶،



* کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان (۱۹۷۹)،

* کنوانسیون بین‌المللی حمایت از حقوق تمام کارگران مهاجر (جلوگیری از افزایش خشونت

علیه کارگران زن) و اعضای خانواده آنها (۱۹۹۰)،

* کنفرانس ۱۹۶۸ تهران و کنفرانس ۱۹۹۳ وین،

* اعلامیه مجمع عمومی، حذف هرگونه خشونت علیه زن (۱۹۹۴)،

* کنفرانس‌های چهارگانه سازمان ملل متحد در خصوص وضعیت زنان (مکزیکوسیتی/۱۹۷۵،

کپنهاک/۱۹۸۰، نایروبی/۱۹۸۵ و پکن/۱۹۹۵)، کنفرانس نیویورک در سال ۲۰۰۰ و اجلاس

کمیسیون موقعیت زنان در سال ۲۰۰۵.

بررسی مفاد کنفرانس‌ها، اعلامیه‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی حکایت از گفت‌وگوهای یکسان و

وحدت رویه و سیاق مشابه، پیرامون مسئله زن در اسناد بین‌المللی دارد.

به عنوان مثال، در اعلامیه جهانی حقوق بشر (پاریس/۱۹۴۸)، حیثیت ذاتی و حقوق مساوی و

انتقال‌ناپذیر همه خانواده‌های بشری، به عنوان شالوده آزادی، عدالت و صلح در جهان شناسایی شده

تا جایی که از ماده ۳۰ اعلامیه، حدود ۱۰ ماده به صراحت، به بیان دیدگاه‌های برابری خواهانه پرداخته

است.

در کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان که نسبت به سایر اسناد بین‌المللی از موقعیت ویژه‌ای برخوردار

است و یکی از مهم‌ترین کنوانسیون‌ها در زمینه حقوق زنان به‌شمار می‌رود نیز، این رویه و رویکرد

برابری، قابل مشاهده است. در این کنوانسیون که شامل یک مقدمه و ۳۰ ماده است، غیر از موادی که

در آن به چگونگی اجرا و اداره کمیته ویژه رفع تبعیض، اشاره شده، مقدمه و سایر مواد آن به وضوح، ناظر

به اصل برابری جنسیتی است.

کنوانسیون محو تبعیض، هیچ‌یک از اشکال تبعیض بین زنان و مردان را نمی‌پذیرد و تأکید دارد که

زن به دلیل زن بودن، نباید حقوق کمتر و محرومیت بیشتر داشته باشد و مرد صرفاً به دلیل مرد بودن، از

حقوق و مزایای بیش‌تری نسبت به زن بهره‌مند باشد. جنسیت نباید ملاک تفاوت و تمایز بین زن و مرد

به لحاظ حقوق و تکالیف باشد.



نگرش اسلام و ایران بعد از انقلاب در حمایت از حقوق زنان

اسلام در دوره‌ای به جهان عرضه شد که بسیاری از مردم و حکومت‌ها برای زن ارزشی قائل نبودند و حتی اعراب جاهلی، دختران خود را زنده به گور می‌کردند، اما اسلام شخصیت از دست رفته زنان را احیا کرد و برخلاف سنت‌های رایج آن زمان، برای زنان حق مالکیت قائل شد و به آنان شخصیت حقوقی و اجتماعی بخشید.

قبل از اسلام، زنان نه تنها حق مالکیت نداشتند، بلکه مانند کالا خرید و فروش می‌شدند و در کنار اموال میت، به ارث برده می‌شدند، حتی در کشورهای غربی نیز با آن همه هیاهوی تبلیغاتی و شعار برابری حقوق زن و مرد، تا یک قرن قبل، برای زنان حق مالکیت قائل نبودند و بعد از انقلاب صنعتی (آن هم برای تشویق زنان برای حضور در کارخانه‌ها به عنوان نیروی کار ارزان قیمت)، برای آنان، حق مالکیت را به رسمیت شناختند. ((تقوی، ۱۳۸۱: ۳۶)

در طول سال‌ها، زنان مسلمان برای رسیدن به حق و حقوق شرعی و قانونی خود، مسیری طولانی و پرفراز و نشیب را طی کردند و برای گذر از این مسیر سخت، علمای دینی و اندیشمندان، جامعه‌شناسان و روانشناسان، نهادهای مدنی، رسانه‌ها و... سهم به‌سزایی داشتند.

در ایران بعد از انقلاب اسلامی، جامعه با خوانشی جدید از زن و حقوق و تکالیف وی، مواجه شد که این امر تغییر و تحولی بنیادین را پیرامون زنان و حقوق آنان رقم زد. حضرت امام خمینی (ره) با تبیین شریعت و با استفاده از پویایی فقه، سعی در شناساندن چهره واقعی دین به مردم داشت تا از این طریق بتواند چهره اصیل دین را برای مردم ترسیم کند. ایشان به عنوان پایه‌گذار انقلاب اسلامی و فقیهی آشنا به سیاست، به تأثیر عنصر زمان و مکان بر احکام و فتاوا، اشراف کامل داشتند.

ایشان معتقد بودند: «زن مربی جامعه است و انسان‌ها در دامن زن تربیت می‌شوند. مرحله اول مرد و زن صحیح، از دامن زن است. مربی انسان‌ها، زن است. سعادت و شقاوت کشورها، بسته به وجود زن است. زن با تربیت صحیح خودش، انسان درست می‌کند و با تربیت صحیح خودش، کشور را آباد می‌نماید. مبداء همه سعادت‌ها از دامن زن است.» ((صحیفه امام، ج ۷، ۱۳۸۹: ۳۳۸)

ارزیابی دقیق و موشکافانه امام درباره زنان و تبیین جایگاه واقعی آنان، توانست زمینه‌ساز تحول بنیادی جایگاه و مقام زن در مقولات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و... شود. انقلاب اسلامی با کمک رهبران و



مردمش توانست با بهره گرفتن از سرچشمه زلال معرفت و تأمل در منابع اصیل ایرانی - اسلامی، هویت و جایگاه واقعی زن را آشکار کند. رشد و تأکید بر همین نوع نگرش بود که موجب آشکار شدن اختلاف مبنایی بین جمهوری اسلامی با اسناد بین‌المللی در حوزه زنان شد.

واکاوی علل ناکارآمدی اسناد و معاهدات بین‌المللی در حوزه زنان

دلایل ناکارآمدی و ناهمگونی معاهدات و قراردادهای می‌توان در سه نوع نگرش کلی حاکم و وابسته به یکدیگر براسناد جست‌وجو کرد. در ادامه، ضمن اشاره به این نگرش‌ها، به بررسی علل ناسازگاری مفاد کنوانسیون‌ها و اعلامیه‌ها و ناکامی در ارائه راه‌کاری جامع و تبیین دیدگاه اسلامی به عنوان یک راه‌کار جایگزین می‌پردازیم.

الف) نگرش‌های برابری خواهانه و تأکید بر برابری جنسیتی کمی

برای بهتر مشخص شدن جایگاه تفکری تساوی‌محور، کافی است نگاهی به یکی از مهم‌ترین و جامع‌ترین اسناد بین‌المللی در حوزه زنان بیندازیم. کنوانسیون رفع هرگونه اشکال تبعیض علیه زنان، یک معاهده بین‌المللی است که اکثر کشورهای جهان به آن پیوسته و برای اجرای آن تعهد و تضمین داده‌اند. در ماده یک این کنوانسیون آمده است: «از نظر این کنوانسیون، عبارت «تبعیض علیه زنان»، به معنی قائل شدن هرگونه تمایز، استثناء یا محدودیت براساس جنسیت است که بر به رسمیت شناختن حقوق بشر زنان و آزادی‌های اساسی آن‌ها و بهره‌مندی و اعمال آن حقوق، برپایه مساوات با مردان، صرف نظر از وضعیت تأهل یا مجرد، در تمام زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و دیگر زمینه‌ها، اثر مخرب دارد یا اصولاً، هدفش از بین بردن این وضعیت است.»

این ماده، علاوه بر تأکید بر اصل برابری زنان با مردان، ناظر به حقوق و مسئولیت‌های زنان در یک سطح واحد است. در حالی که اسلام، جایگاه زنان را در شئون مختلف بررسی می‌کند. یک شأن مربوط به فطرت و روحیات مادرانه، دخترانه و زنانه در منزل است و شأن دیگر، که مربوط به راه و روش، رفتارها و شرایط حضور در جامعه است. اسلام گاهی زن را در خانه می‌بیند و برای او حقوق و تکالیفی تعریف می‌کند و گاهی نیز برای حضور مؤثرش در جامعه، برنامه‌ریزی می‌کند. اسلام به صورت جداگانه، برای هر یک از این شئون و جایگاه‌ها، تعاریف و دستورالعمل‌هایی دارد که با دیدگاه‌های نظام سرمایه‌داری حاکم بر جهان، هم‌خوانی ندارد.



تساوی زنان و مردان در عرصه تصدی مشاغل، یکی از اصول مهم و رایج در اسناد بین‌المللی است. به عنوان مثال، در ماده ۱۱ کنوانسیون رفع تبعیض آمده است: «دولت‌های عضو باید اقدامات مقتضی را برای رفع تبعیض علیه زنان در زمینه اشتغال انجام داده و اطمینان دهند که بر مبنای تساوی مردان و زنان، حقوق یکسان به خصوص در موارد زیر برای زنان رعایت می‌شود:

الف) حق کار (اشتغال) به عنوان يك حق لا ینفك حقوق انسانی،

ب) حق امکانات شغلی یکسان از جمله اجرای ضوابط یکسان در مورد انتخاب شغل،

ج) حق انتخاب آزادانه حرفه و شغل، حق ارتقاء مقام، برخورداری از امنیت شغلی و تمام امتیازات

و شرایط خدمتی و...»

اما متأسفانه در اسناد بین‌المللی و در عرصه پذیرش مناصب و مشاغل برابر، کمتر به این موارد توجه می‌شود که «زنان بیشتر به کارهای خانه و اعمال ذوقی، علاقه نشان می‌دهند و بیشتر، مشاغل را می‌پسندند که نیاز به جابه‌جایی در آن‌ها نباشد یا کارهایی مانند مواظبت از کودکان و اشخاص عاجز و بینوا را دوست دارند که لازمه آن، مواظبت و دلسوزی است. زن‌ها معمولاً از مردان احساساتی‌تر هستند.» (کلان برگ: ۳۱۳) فارغ از دیدگاه‌های انحصارطلبانه مردان، بسیاری از این عرصه‌های شغلی و اجتماعی، با توانایی و سایر مسئولیت‌های زنان تناسب نداشته و با سلیقه‌ها و علایق آنان، هم خوانی ندارد. بنابراین، آن‌چه که از ظاهر امر برمی‌آید، این است که این نوع اسناد، بدون در نظر گرفتن ملاحظات جنسی، تدوین شده و القاء اصل تشابه، تاکنون نتوانسته برای حل معضلات زنان، راهگشا باشد.

در ماده سوم اعلامیه حذف خشونت علیه زنان قطع‌نامه ۴۸/۱۰۴ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، مصوبه ۲۳ فوریه ۱۹۹۴، به تساوی در همه امور، این‌گونه اشاره شده است: «زنان استحقاق برخورداری برابر از کلیه حقوق بشر و آزادی‌های بنیادی در زمینه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و مدنی یا هر زمینه دیگر و قرار گرفتن تحت این حقوق را دارند. این حقوق عبارتند از: ...، ج) حق آزادی، د) حق برخورداری برابر از حمایت قانون، ه) حق آزاد بودن از کلیه اشکال تبعیض و...»

در هدف پنجم از آرمان‌های هفده‌گانه سازمان ملل متحد نیز، دستیابی به برابری جنسیتی و توانمندسازی همه زنان و دختران به عنوان یک اصل تأکید شده است. (آرمان‌های توسعه هزاره، سپتامبر ۲۰۱۵، «آرمان‌های توسعه پایدار ۱»)، در نتیجه، تدوین قوانین برابری خواهانه برای رفع تبعیض در



عرصه اقتصادی، سیاسی و توانمندسازی بانوان، تلاش در راستای وصول به این آرمان‌ها خواهد بود. توجه به مبانی کمی و انطباق‌های عددی، ره‌آورد دیدگاه‌های فمینیستی و غربی است که زن را برابر مرد می‌داند و تلاش در القاء این مفهوم دارد که این برابری باید در همه امور رعایت شود. بر همین اساس، تنها سنجش برابری، نشان‌دهنده جایگاه رشد و پیشرفت زنان خواهد بود، حتی اگر این نوع سنجش، متناسب با نوع خلقت زنان نباشد.

شهید مطهری (ره) در بخشی از کتاب حقوق زن در اسلام، به تفاوت‌های بین زن و مرد اشاره می‌کند و می‌گوید: «در قرن بیستم و در پرتو پیشرفت‌های حیرت‌انگیز علوم، تفاوت‌های زن و مرد، بیشتر روشن و مشخص شده است. جعل و افترا نیست، حقایق علمی و تجربی است، اما این تفاوت‌ها به هیچ‌وجه به این‌که مرد یا زن، جنس برتر است و دیگری جنس پایین‌تر و پست‌تر و ناقص‌تر، مربوط نیست. قانون خلقت از این تفاوت‌ها، منظور دیگری داشته است. یکی از موضوعاتی که برای من موجب تعجب است، این است که بعضی اصرار دارند که تفاوت زن و مرد را در استعداد‌های جسمی و روانی، به حساب ناقص بودن زن و کامل‌تر بودن مرد بگذارند و چنین وانمود می‌کنند که قانون خلقت بنا به مصلحتی، زن را ناقص آفریده است. ناقص‌الخلقه بودن زن پیش از آن‌که در میان ما مردم مشرق زمین مطرح باشد، در میان مردم غرب مطرح بوده است.» (مطهری، ۱۳۷۸: ۱۷۴)

استاد مطهری در بخش دیگری از همین کتاب، بیان می‌دارد که: «دنیای جدید، تنها به حدس و تخمین متوسل نمی‌شود. سر و کارش با مشاهده و آزمایش است، با آمار و ارقام و مطالعات عینی است. در دنیای جدید، در پرتو مطالعات عمیق پزشکی، روانی و اجتماعی، تفاوت‌های بیشتر و فراوان‌تری میان زن و مرد کشف شده که در دنیای قدیم، به هیچ‌وجه به آن‌ها پی نبرده بودند. مردم دنیای قدیم، زن و مرد را که ارزیابی می‌کردند، تنها از این جهت بود که یکی درشت اندام‌تر است و دیگری کوچک‌تر، یکی خشن‌تر است و دیگری ظریف‌تر، یکی بلندتر است و دیگری کوتاه‌تر، یکی کلفت‌آوازتر است و دیگری نازک‌آوازتر، یکی پرپشم و موتر است و دیگری صاف‌تر. حداکثر که از این حد تجاوز می‌کردند، این بود که تفاوت آن‌ها را از لحاظ دوره بلوغ در نظر می‌گرفتند یا تفاوت آن‌ها را از لحاظ عقل و احساسات به حساب می‌آوردند و مرد را مظهر عقل و زن را مظهر مهر و عاطفه می‌خواندند، اما امروزه، علاوه بر این‌ها، موارد زیاد دیگری کشف و معلوم شده که دنیای زن و مرد در بسیاری از قسمت‌ها با هم متفاوت است.» (همان: ۱۷۷)



آنچه که مبنای شرع مقدس اسلام است، تعادل بین زن و مرد است، نه تساوی. تناسب محوری شرط است، نه تساوی محوری. تبعیض اگر ضد عدالت باشد، منصفانه نیست وگرنه، این که تلاش کنیم هر کس در جای خود قرار گیرد، عین عدالت است، زیرا خواسته دین این بوده که شرایط و روحیات زن در وظایف اجتماعی وی مد نظر قرار گیرد. اسلام زن را مشابه مردان تعریف نکرده و این خود، موجب شده که دیگران، اسلام و به تبع آن ایران را محکوم به ایجاد تبعیض و تعارض بین دو جنس کنند. درحالی که خداوند، همه بندگان را از نفس واحد آفریده و فرموده: «یا ایها الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحده». (نساء/۱)

البته اسلام، در برخی امور نیز تفاوتی بین زن و مرد قائل نشده است. به عنوان مثال، خداوند در آیه ۳۵ سوره احزاب به برابری اشاره می کند و می فرماید: «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَّصِدِقِينَ وَالْمُتَّصِدِقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا»

دین اسلام مجموعه حقوق و مسئولیت های زن و مرد را در جامعه مشخص کرده است. بر اساس آموزه ها، شرع مقدس، زن را به عنوان موجود مستقل، نه در مقایسه با مردان، تعریف کرده است. یکی از ویژگی های دین اسلام این است که مبنا و مأخذ قانون گذاری آن، وحی الهی است و برای همین از هرگونه افراط و تفریط مصون است و بسیاری از خطاهایی که در تفکرات بشری وجود دارد، در آن راه ندارد. هرچند همین قانون الهی، در اموری، زن و مرد را از لحاظ حق و تکلیف یکسان می بیند.

«احکام و قوانین، تابع مصالح و مفاسد هستند و بشر، قدرت درک دقیق همه مصالح و مفاسد و قوانین را ندارد و همین موضوع، راز نیازمندی او به وحی، انبیاء و کتب آسمانی است. نمی توان مصالح و مفاسد را صرفاً با ملاک های مادی و لذت جویی های حیوانی سنجید، بلکه معیار آن ها دین و وحی است. هدفمند و هماهنگ بودن تشریح و تکوین در اسلام یک اصل است. بشر با این محدودیت هایی که دارد، چگونه می تواند به همه رازهای تکوین، آگاهی پیدا کرده و قوانین منطبق با آن را وضع نماید؟ همه انسان ها اعم از زن و مرد به گونه ای آفریده شده اند که رشد و کمالشان اقتضا می کند و نیز قوانینی از طرف خداوند تشریح شده که ویژگی های تکوینی آن ها طلب می کند و این سر اعتقاد خداجویان



به انحصار حق قانون‌گذاری خداوند و لزوم وضع قوانین از طریق وحی است که توسط انبیاء الهی در اختیار بشر قرار می‌گیرد. تنها این قانون می‌تواند حافظ کرامت ذاتی انسان باشد و هدف نهایی او، یعنی لقاء خداوند و تقرب به ذات ربوبی را برآورده سازد. (آیت‌اللهی، ۲۳: ۱۳۸۰)

هرچند سازمان ملل متحد و به تبع آن کشورهای توسعه‌یافته تلاش می‌کنند در راستای اجرای اهداف برابری خواهانه برای زنان، همسان مردان، موقعیت‌های یکسان ایجاد کنند، ولی آن‌ها هم هنوز نتوانسته‌اند حتی در کشورهای غربی به این تشابه به‌طور کامل، جامه عمل بپوشانند و در عمل خودشان هم در اجرای قوانین برابری خواهانه ناکام مانده‌اند.

مقام معظم رهبری در دیدار با جمعی از بانوان برگزیده کشور در فروردین سال ۹۳، در مورد لزوم عدم توجه به نگرش بین‌المللی و غربی در حوزه زن فرمودند: «اگر می‌خواهیم نگاه ما نسبت به مسئله زن، نگاه سالم، منطقی و دقیقی باشد، شرط اول این است که ذهن خود را از حرف‌هایی که غربیها در مورد زن (در مورد اشتغال، مدیریت، برابری جنسی و...) می‌زنند، به کلی تخلیه کنیم. یکی از بزرگترین خطاهای تفکر غربی در مورد مسئله زن، همین عنوان «برابری جنسی» است. عدالت یک حق است، اما برابری گاهی حق و گاهی باطل است. چرا باید انسانی را که از لحاظ ساخت طبیعی - چه از لحاظ جسمی و چه از لحاظ عاطفی - برای یک منطقه و ویژگی‌های از زندگی بشر ساخته شده، از آن منطقه ویژه جدا کنیم و به منطقه ویژه دیگری که برای یک ساخت دیگر، برای یک ترکیب دیگری خدای متعال آماده کرده، بکشانیم؟ چرا؟ این چه منطق عقلایی دارد، چه دلسوزی در این است؟ چرا باید کاری که مردانه است به زن داده شود؟ این چه افتخاری است برای زن که کاری را انجام دهد که مردانه است؟»

ب) نگرش‌های انسان‌محوری و توجه به اصل فردگرایی

اگر نگاهی به مفاد اعلامیه‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی بیندازیم، متوجه می‌شویم که مبنا و پایه آن‌ها، بر اساس انسان‌محوری، فردگرایی، لذت‌گرایی، لیبرالیسم و... و نه خدامحوری نگارش شده است. بر اساس این نظریه، انسان و نیازهای مادی آن، بنیاد، محور و اساس هر چیزی در جهان قرار می‌گیرند. «مهم‌ترین عنصر فرهنگ غرب و به تعبیری ستون فقرات آن، «اومانیزم» یا اصالت انسان است که به معنای بازگشت به انسان به جای خدا، بازگشت به زمین به جای آسمان و بازگشت به زندگی

دنیا به جای آخرت‌گرایی است.» (مصباح یزدی، ج اول، ۱۳۷۸: ۱۷۰)



با حاکمیت اومانیسم، دین و وحی به گوشه انزوای زندگی فردی رانده شده و در زندگی اجتماعی نقشی ایفا نمی‌کند. آنچه اومانیسم به عنوان راه کمال و دست‌یابی به حقیقت بر آن تأکید می‌کند، یکی عقل و اندیشه (راسیونالیسم) و دیگری، تجربه و آزمون (پوزیتیویسم) است. شعار اومانیسم، حداکثر مصرف و بهره‌وری از دنیا و لذت‌های آن (مکتب لذت‌گرایی) و رهایی از هرگونه قید و محدودیت در این زمینه است (لیبرالیسم). اومانیسم و به تبع آن لذت‌گرایی، اقتضا می‌کند که تمام هدف و آرمان انسان، آزادی هرچه بیشتر در تمامی زمینه‌ها برای کامجویی و تأمین غرایز باشد. (باقرزاده، ۱۳۸۱: ۱۳۲)

این انسان‌محوری و حذف دین تا جایی پیش می‌رود که در ماده چهارم اعلامیه حذف خشونت علیه زنان آمده است: «دولت‌ها باید خشونت علیه زنان را محکوم کرده و نباید هیچ رسم، سنت یا ملاحظات مذهبی را برای وظیفه خود در رابطه با حذف آن بهانه کنند. دولت‌ها باید با استفاده از تمام شیوه‌های مناسب و بدون تأخیر، یک سیاست حذف خشونت علیه زنان را تا پایان آن دنبال کنند.» (اعلامیه حذف خشونت علیه زنان، قطع‌نامه ۴/۸۱۰ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، مصوبه ۲۳ فوریه ۱۹۹۴)

نظام حقوقی و دموکراسی غربی، برای تقویت جایگاه انسان‌محوری خود و ثروت‌اندوزی بیشتر و نیاز چرخ‌های اقتصاد سرمایه‌داری به نیروی کار انسانی مضاعف، زنان را به ترک خانه و کار در کارخانه‌های صنعتی ترغیب کرد تا از این طریق، بشر به رفاه بیشتری دست یابد. در هدف هشتم از آرمان‌های هفده‌گانه سازمان ملل متحد در توسعه پایدار، به ترویج رشد اقتصادی پایدار و فراگیر، اشتغال کامل و بهره‌ور و مناسب برای همه اشاره شده است. (آرمان‌های توسعه هزاره، سپتامبر ۲۰۱۵، «آرمان‌های توسعه پایدار»)

مجامع بین‌المللی، دولت‌ها را ملزم به شناسایی اهمیت مشارکت اقتصادی و اجتماعی زنان در خانواده و جامعه به عنوان یک اصل کلی می‌کنند و اصرار دارند که زنان باید به اندازه مردان کار کنند تا چرخ‌های اقتصادهای لیبرالی بچرخد. در این نظام‌ها، هدف اصلی، رشد و توسعه سرمایه است. بنابراین، آن چه که مهم است، افزایش تأثیر زنان در پیشبرد جامعه به سوی اهداف اقتصادی متناسب با نظام سرمایه‌داری است. براساس دیدگاه‌های انسان‌محور، زنان باید در توسعه اقتصادی و رشد ناخالص ملی، به اندازه مردان تلاش کنند.

آنچه که در مفاد این اعلامیه‌ها و کنوانسیون‌ها جای بحث و بررسی دارد، توجه به این نکته است که چرا این‌گونه مسائل، در اولویت اسناد قرار دارند و از مهم‌ترین معیارهای سنجش در جوامع مدرن



به‌شمار می‌آیند و برای آن، ماده‌ها و تبصره‌ها تصویب شده، در حالی که به نقش معنوی، تربیتی و مادری بانوان تا به این اندازه پرداخته نشده است؟ چرا توسعه، در امور اقتصادی، سیاسی و حتی نظامی منحصر و خلاصه شده و موضوع خانواده، امور انسانی و معنوی، تقریباً نادیده انگاشته شده است؟

مقام معظم رهبری در جمع گروهی از بانوان در سال ۱۳۹۳ فرمودند: «در رویکرد غربی به مسئله زن - هم‌چنان که در تاریخ انقلاب صنعتی، انسان به روشنی می‌بیند - یک نگاه کاسب‌گرانه و مادی و اقتصادی دخالت داشته است، یعنی در اروپایی که زن حق مالکیت نداشت و مایملک زن، متعلق به مرد و شوهرش بود و حق تصرف در مایملک خود را نداشت یا از وقتی که دموکراسی در غرب راه افتاده بود، زن حق رأی دادن نداشت، در یک چنین دنیایی، ناگهان مسئله انقلاب صنعتی و کارخانجات و حضور مؤثر زن در کارخانجات با خرج کمتر برای سرمایه‌دارها مطرح شد. آنوقت آمدند برای زن حق مالکیت قائل شدند، برای این که بتوانند او را به کارخانه بکشانند، به او مزد کمتری بدهند و طبعاً آمدن او به میدان اشتغال، الزامات خودش را داشت و دنباله‌های خودش را تا امروز داشته است. بنابراین، علاوه بر این که نگاه به زن، یک نگاه غیرالهی و مادی است، اساساً سیاست‌هایی که بر اساس آن‌ها، وضعیت کنونی در اروپا عمدتاً و در دنیای غرب پیش آمده، با یک نگاه کاسب‌کارانه و مادی و اقتصادی همراه بوده است.»

ج) نگرش‌های آزادی‌خواهانه و بی‌قید و شرط

همان‌طور که پیشتر هم به آن اشاره شد، رویه و نگرش اسناد بین‌المللی بر پایه تفکرات تک‌بعدی غرب طراحی شده است. یکی دیگر از مفاهیم غالبی که در معاهدات بین‌المللی در حوزه زن وجود دارد که با مفاهیم شریعت و فرهنگ ما ناهمگون می‌باشد، مفهوم آزادی است.

در مقدمه کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان، به آزادی اشاره شده و تأکید می‌شود که: «با عنایت به این که اعلامیه جهانی حقوق بشر، اصل قابل قبول نبودن تبعیض را تأیید نموده، اعلام می‌دارد که کلیه افراد بشر، آزاد به دنیا آمده و از نظر منزلت و حقوق، یکسان بوده و بدون هیچ‌گونه تمایزی از جمله تمایزات مبتنی بر جنسیت، حق دارند از کلیه حقوق و آزادی‌های مندرج در این اعلامیه بهره‌مند شوند.»

(کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان، مصوب ۱۸ دسامبر، ۱۹۷۹ میلادی)

در این تفکر، انسان از آزادی فردی کامل تا جایی که منجر به هرج و مرج نشود، برخوردار است. وظیفه و هدف قانون هم، فراهم کردن زمینه لذت‌جویی است و همه محدودیت‌ها تنها برای جلوگیری از



هرج و مرج و قانونمند و منظم شدن لذت‌های انسان است تا او بتواند در کمال آرامش، به کام‌جویی‌های حیوانی خود بپردازد... کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان در پی آن است که زنان در کام‌جویی از مردان عقب‌نمانند و در میدان رقابت لذت‌جویی، همگام و همسان با مردان پیش روند. (باتقرزاده، همان)

یکی از موضوعاتی که در روند بررسی سند اجلاس پکن + ۵ و در دو فصل آن، یعنی «زنان و بهداشت» و «زنان و حقوق بشر» مورد توجه قرار گرفت، مسئله «حقوق جنسی زنان» (orsensual orientation seuud rights) بود. این عبارت که به معنای به رسمیت شناختن انواع تمایلات جنسی و تأکید بر تنوع کامل زنان و تمایلات آنان بود، از سوی کشورهای (EU) پیشنهاد شد. عبارت فوق یعنی این‌که بخشی از مسائل زنان در کشورها، به ممنوعیت تنوع در ابراز و ارضای تمایلات جنسی آن‌ها برمی‌گردد و لذا سند برای رساندن زنان به حقوق خود، می‌بایست این گوناگونی را بپذیرد. البته این مسئله با مخالفت شدید بسیاری از کشورها روبه‌رو شد و پس از انجام مذاکرات طولانی، بند مذکور به پیشنهاد ایران و حمایت کشورهای از جمله الجزایر، مصر، سودان، لیبی، سنگال، واتیکان و... حذف شد. (علاسوند، ۱۳۸۳: ۲۵)

در مقدمه میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز آمده است: «کشورهای طرف این میثاق، با توجه به این‌که طبق اصولی که در منشور ملل متحد اعلام شده، شناسایی حیثیت ذاتی و حقوق یکسان و غیرقابل انتقال کلیه اعضای خانواده بشر، مبنای آزادی، عدالت و صلح در جهان است، ملزم به ترویج احترام جهانی و مؤثر و رعایت حقوق و آزادی‌های بشر هستند.» در ماده ۲ این میثاق جهانی هم اشاره شده که هر دولت طرف این میثاق متعهد می‌شود که:

الف) تضمین کند که برای هر شخصی که حقوق و آزادی‌های شناخته شده در این میثاق درباره او نقض شده باشد، وسیله مطمئن برای احقاق حق فراهم شود و... (میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ میلادی، مطابق با ۲۵/۹/۱۳۴۵ شمسی)

ره‌آورد این نوع نگاه آزادانه نسبت به بشر و زن، زمینه اعطای حق مالکیت بر بدن را ایجاد می‌کند. از این رو، زنان حق سقط جنین پیدا می‌کنند و برای این حق هم محدودیت قانونی وجود ندارد. تأسی از همین نگرش است که الزام به پوشش بانوان، خشونت و عدم آزادی علیه زنان تلقی می‌شود و قوانین اجازه ندارند مانع آزادی‌های فردی آنان شوند.



آیت الله العظمی جوادی آملی در دیدار جمعی از اعضای شورای فرهنگی - اجتماعی زنان و خانواده شورای عالی انقلاب فرهنگی، به ناتوانی غربی‌ها در تصمیم‌گیری‌های حوزه زنان اشاره کرده و اظهار می‌دارند: «غربی‌ها هرگز نمی‌توانند برای موضوعاتی همچون حقوق بشر، کودک و زن تصمیم بگیرند، چراکه در نگاه آن‌ها، انسان موجودی فانی است و هیچ آینده‌ای برای او پس از مرگ وجود ندارد؛ لذا تنها و تنها در محدوده زندگی مادی و بر اساس میل و هوس خود تصمیم می‌گیرند. آن‌ها باید بفهمند که آن‌که بشر را آفرید، باید برای بشر صحبت کند و اوست که بهتر از هر کسی صلاح و فلاح کودک و مادر را می‌داند. در حالی که آن‌ها بر اساس نفس خود، برای بشر برنامه‌ریزی می‌کنند، آن‌ها انسان را شناختند و خیال می‌کنند که انسان بعد از مرگ می‌پوسد و تمام می‌شود، حال آن‌که دین، انسان را موجودی ابدی می‌داند که با مرگ از پوست به در می‌آید نه این‌که بی‌پوسد.»

هر عاملی که آزادی‌های شخصی را محدود کند، موجب عقب‌ماندگی و به اصطلاح جهان‌سومی شدن می‌شود. معاهدات به این نکته اشاره نمی‌کنند که این‌گونه آزادی‌های بی‌حد و حصر، منشاء اضطراب و احساس ناامنی و بازیچه قرار گرفتن زنان می‌شود. به عنوان مثال، در کار پایه عمل اجلاس پکن در سال ۱۹۹۴، در مورد مشکلات مربوط به ازدواج، نگرانی‌هایی مطرح نشده است، زیرا در غرب، غیر از ازدواج، سایر روابط نیز پذیرفته شده است و فرزندان پس از ۱۸ سالگی، آزاد و مستقل هستند و قادرند خارج از مفهوم ازدواج و خانواده، به رفع نیازهای جنسی خود بپردازند. چه بسا ازدواج موجب ایجاد تعهد و مسئولیت و مانع آزادی‌های شخصی می‌شود.

مقام معظم رهبری در جمع گروهی از بانوان در سال ۹۳ فرمودند: «غربی‌ها نسبت به مسئله زن، بد فهمیدند، بد عمل کردند و همان فهم بد و غلط و عمل گمراه‌کننده و مهلک خودشان را به صورت سکه رایج در دنیا مطرح کردند. علیه هر کسی هم که علیه نظر آن‌ها حرف بزند، دستگاه تبلیغاتی وسیع آن‌ها هوچی‌گری می‌کند.»



نتیجه‌گیری

باتوجه به آنچه که از آمارها و بررسی وضعیت موجود زنان برمی‌آید، کارنامه عمل سازمان‌های بین‌المللی در حوزه زنان، قابل قبول نیست. اسناد بین‌المللی به‌طور کلی، بر پایه نگرش‌های برابری خواهانه، انسان‌محوری و آزادی‌گرایانه طراحی شده است. علت این ناکارآمدی‌ها را می‌توان در عدم توجه به تفاوت‌های فطری و قابلیت‌های زنان و مردان جست‌وجو کرد که موجب شده این مدل نتواند مدل موفق و پاسخ‌گویی برای زنان جهان باشد.

قراردادهای بین‌المللی، بیشتر جنبه تبلیغاتی دارند تا نقش حمایتی و عمل‌گرا. چه بسا، در برهه‌های زمانی در نبردهای مسلحانه و جنگ‌ها، ظلم‌های بسیاری در حق زنان روا داشته شده، اما شاهد برخورد قاطع، محکم و مؤثری از سوی سازمان‌های بین‌المللی و کمیته‌های مربوطه نبودیم. به‌طور خلاصه می‌توان گفت که منشورها، میثاق‌ها، اعلامیه‌ها و کنوانسیون‌های سازمان‌های بین‌المللی و کمیته‌های تحت نظر آن‌ها، در حوزه زنان، دارای نواقص بسیاری هستند. از جمله این کاستی‌ها عبارتند از:

- تجویز یک نسخه برای تمام ملل و عدم توجه به تفاوت‌های دینی، بومی و فرهنگی بین جوامع،
- تلاش برای جهانی‌سازی گفتمان فرهنگ غربی،
- عدم توجه به ساختار زنان در کنار توانایی‌های جسمی و روحی آنان در برعهده گرفتن نقش‌ها و مسئولیت‌ها،
- نگاه ابزاری و منفعت‌طلبانه به زن در اقتصاد،
- عدم توجه به مسئولیت‌های بانوان در خانه و عدم تأکید کافی به نقش مادری و در کنار وظیفه پرورش و تربیت صحیح فرزندان،
- عدم توجه به علایق و سلايق زنان در طرح یکسانی مشاغل و مناصب و تلاش برای حذف تفکیک شغلی.

اسناد و قراردادهای بین‌المللی در حوزه زنان، به قوانین داخلی، شریعت و فرهنگ سایر ملل توجه چندانی نمی‌کنند و مکاتب فکری و نظری خود را به عنوان جایگزین در نظر می‌گیرند. روح کلی حاکم بر اسناد، بدون توجه به ملاحظات جنسیتی، نگارش شده و به همین دلیل، بسیاری از کشورها برای پذیرش آن، مجبور به قرار دادن شروط و تحفظاتی می‌شوند که این امور، خود به خود اجرای کنوانسیون‌ها و



قراردادها را با مانع و مشکل مواجه می‌کند. در کشور ما نیز، این اسناد با زیرساخت‌های قانونی کشورمان که برآمده از شریعت اسلام است، سازگاری ندارد و با فرهنگ اصیل ایرانی هم‌خوان و هم‌سو نیست. سازمان ملل متحد و نهادهای وابسته به آن در حوزه زنان، نیاز به یک بازنگری جدی دارند. به همین جهت، ضروری است با تغییر نگرش و زاویه دید برای حل مسائل مربوط به این حوزه، به دنبال ارائه یک راه‌کار جامع و اتخاذ تدابیر لازم باشند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



منابع

۱. قرآن کریم
 ۲. آیت‌اللهی، زهرا (۱۳۸۰)، «زن، دین، سیاست»، انتشارات سفیرصبح، تهران.
 ۳. باقرزاده، محمدرضا (۱۳۸۸)، «نیم‌نگاهی به حقوق زن در اسلام / نقدی بر کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان»، فصل‌نامه معرفت، شماره ۷.
 ۴. تقوی، علی، صادقی، حسین (۱۳۸۱)، «نگاهی به جایگاه زن در اسلام»، مجله مبلغان، شماره ۳۲.
 ۵. توحیدی، احمدرضا (۱۳۸۲)، «عملکرد سازمان ملل متحد در قلمرو حقوق زنان»، مجله شمیم یاس، شماره ۲.
 ۶. علاسوند، فریبا (۱۳۸۳)، «آیا سند پکن برای زنان نقطه عطف است؟»، دوماه‌نامه علمی فرهنگی و اجتماعی حورا، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، شماره ۱۱.
 ۷. کلان‌برگ، اتو (۱۳۸۶)، مترجم، کاردان، علی محمد، روان‌شناسی اجتماعی، نشر اندیشه، تهران.
 ۸. مصباح، محمدتقی (۱۳۷۸)، «نظریه سیاسی اسلام»، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم.
 ۹. مطهری، مرتضی (۱۳۷۸)، «نظام حقوق زن در اسلام (مجموعه آثار، ج ۱۹)»، صدرا، چاپ هفتم، تهران.
 ۱۰. مکنون، ثریا (۱۳۹۰)، «حضور زن در اسلام و مقایسه آن با دیدگاه بین‌المللی حقوق بشر»، ماه‌نامه تبیان، پیاپی ۷۸.
 ۱۱. منتظری، سیدهدای (۱۳۹۶)، «نگاهی به حقوق زنان از منظر حقوق بین‌الملل، مطالعه موردی کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان»، فصل‌نامه مطالعاتی صیانت از حقوق زنان، شماره ۴۰۹.
 ۱۲. موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۸۹)، «صحیفه امام خمینی»، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، تهران.
- ### سایت‌ها
۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از بانوان برگزیده کشور، -<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=26155>.
 ۲. آرمان‌های توسعه پایدار.
 ۳. متن کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان.
 ۴. اعلامیه مجمع عمومی، حذف هرگونه خشونت علیه زنان، ۱۹۹۳.
 ۵. مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد - تهران، <http://www.unic-ir.org/>.
 ۶. آیت‌الله جوادی آملی در دیدار اعضای شورای فرهنگی - اجتماعی زنان: غربی‌ها نمی‌توانند برای حقوق بشر، کودک و زن تصمیم بگیرند. (سایت شورای عالی انقلاب فرهنگی)، <https://sccr.ir/News/8618/1/>.